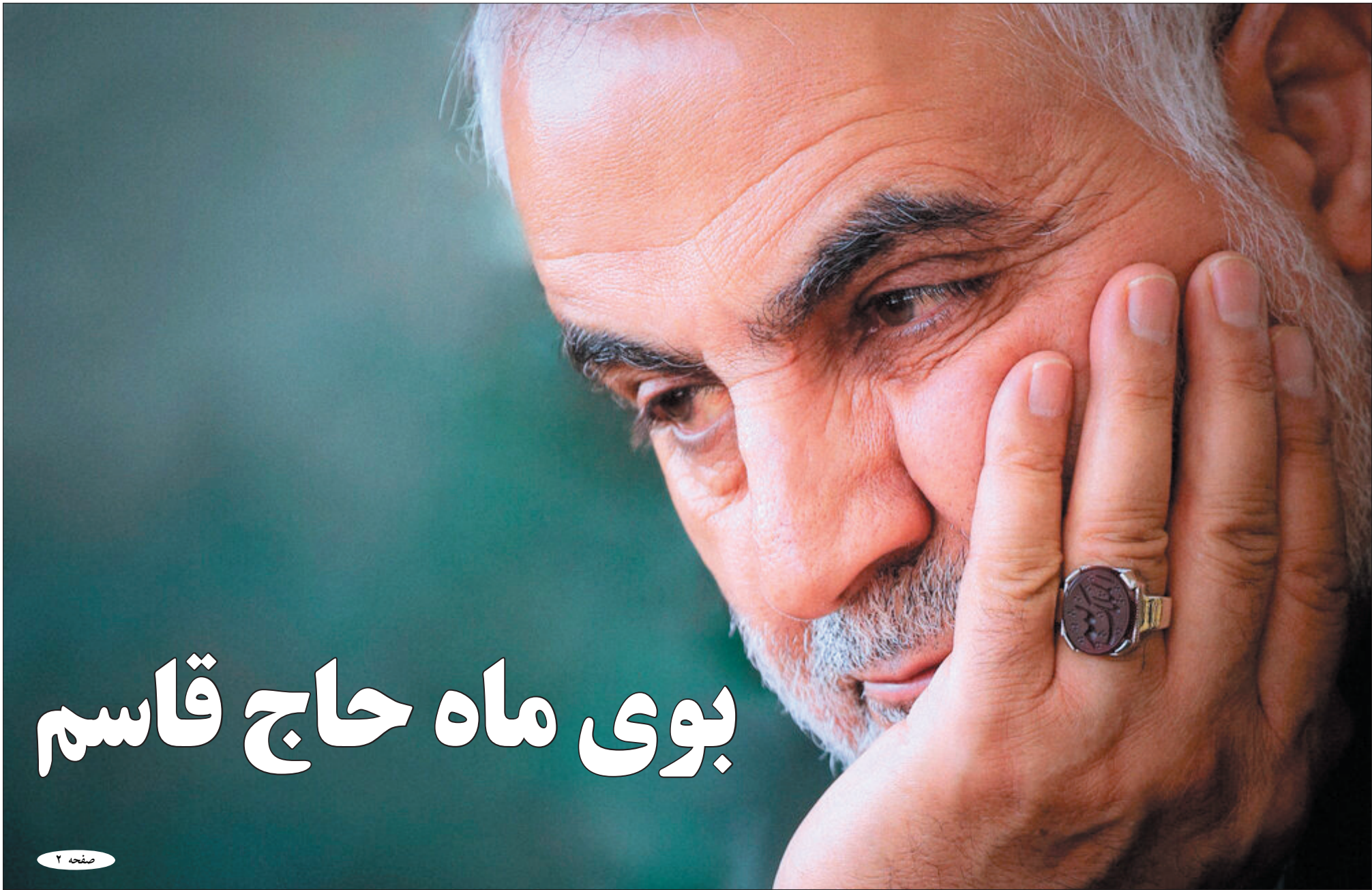




مدیرکل بنیاد شهید و امور ایثارگران چهارمحال و بختیاری، **جانباژ ۷۰ درصد در چهارمحال و بختیاری به یاران شهیدش پیوست**



مدیرعامل شرکت شهرک‌های صنعتی چهارمحال و بختیاری، **بهره‌مندی واحدهای خدماتی شهرک صنعتی جوانان از نعمت گاز**



# بوی ماه حاج قاسم

اولین صفحه

## حاج قاسم و سقوط شوکت آمریکا

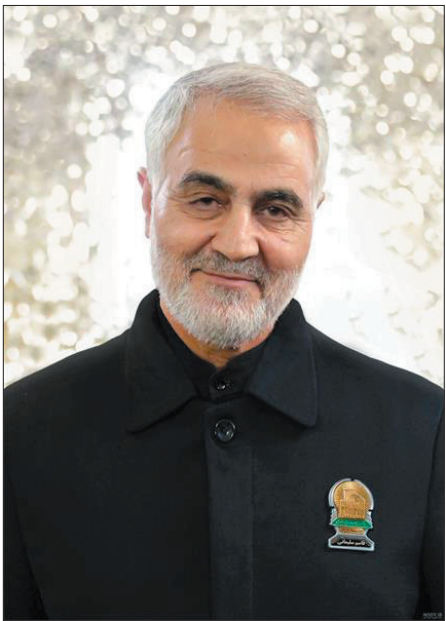
سید احمد خوبی

قبل از دوره مسئولیت حاج قاسم، ایالات متحده آمریکا، صاحب پرستیژ بود و چهره یک تمدن بالغ و بی نقص از خود ساخته بود، با سیستم و رجال سیاسی "جنتل من" که حتی اگر در پرونده پارتیز جنسی مخفی خود "یک دروغ کوچکی" بگویند به دادگاه کشیده می‌شوند ولو رئیس جمهور باشند. آمریکائی که اگر کسی را تروریست خطاب کند، همه دنیا پشت سر آن برای نجات ارزش‌های بشری صف می‌شوند و ائتلاف تشکیل می‌دهند.

آن روزها مصادف با جریان دوم خرداد، در داخل ایران نیز این چهره آمریکا کارساز بود، علاقمندان به آمریکا با آب و تاب از سیستم آمریکا به عنوان الگو سخن می‌گفتند و اگر می‌گفتی یک روز محبوب‌ترین کاندیدای نظرسنجی مردمی آمریکا ممکن است در دادگاه "رد صلاحیت" شود، هیچ‌کس باورش نمی‌شد! اگر می‌گفتی در مرکز "رهبری" دنیا عده‌ای به نتایج انتخابات اعتراض دارند و به ساختمان مجلس حمله کرده‌اند، این صدها سال دور به نظر می‌رسید. اما زمان خیلی کوتاه شد و فرعون‌ی که در زمین برتری جسته بود، به دام نیل افتاد.

آن روز، کمترین اراده ایستادگی در برابر اراده آمریکا، دیوانگی تلقی می‌شد!

ادامه در صفحه ۲



یک نیروی او باید همزمان چندین کار موازی را بلد بود و انجام می‌داد: رمزنگاری، مسئول پشتیبانی، مسئول تهیه گزارش‌ها، راننده... در خیلی از مواقع یک نفر بود. این مدل جنگیدن و حل مساله شهید سلیمانی بود که در سیدرضی هم اثر عمیقی برجای گذاشته و او را تربیت کرده بود.

**۳ - کم‌هزینه‌سازی اقدامات**

با توجه به ابعاد کاری که در دست داشت، با هزینه‌های کم صحنه را مدیریت می‌کرد. در شکست ارتش‌های پیشرفته ناتو در عراق و افغانستان، رژیم صهیونیستی و عربستان در یمن و... قطعاً ایران اگر تمام بودجه خود را هم به امور نظامی اختصاص می‌داد، قادر به هم‌اورد با دشمن نبود. حاج قاسم اما با بودجه‌ای بسیار محدود، کارهای بسیار بزرگی را رقم زد.

**۴ - حضور از نزدیک**

فرماندهان نظامی اغلب از حضور در میدان جنگ آن هم به‌صورت طولانی‌مدت پرهیز می‌کنند اما یک ابتکار حاج قاسم، سفرهای پایایی به مبادین نبرد و در هجرت بودن میان کشورها و مناطق مختلف بود. وی اعتقاد داشت از دور نمی‌توان مدیریت کرد و باید حتماً با رعایت جوانب، صحنه را از نزدیک دید.

**۱ - ابعاد اجتماعی ارتباط‌گیری با مردم**

پایان جنگ تحمیلی، کار حاج قاسم را به پایان نرساند. او چند سال در منطقه ناامن سیستان و بلوچستان که شرارت‌ها اوج گرفته بود، قرارگاه قدس نیروی زمینی سپاه را راه‌اندازی کرد و مسئولیت گرفت و با کمک مردم بومی منطقه و لشکر ۴۱ شازله و یگان‌هایی که در منطقه بودند، با مردم منطقه ارتباط برقرار کرد. در منطقه سیستان و بلوچستان مجاهدت‌های وسیعی انجام داد و با عملیات‌های فوق‌العاده پیچیده و خطرناک، فتنه‌های شرارت را خاموش کرد.

**۲ - هویت‌دهی به ملت‌ها و قومیت‌ها**

در نبرد سوریه، او هوشیارانه توانست لشکری از مجاهدان غیرایرانی را برای نبرد با دشمنان انسانیت فراهم آورد. هزاران افغانستانی و پاکستانی و حتی اهل سنت ایرانی را برای دفاع در برابر داعش، سروسامان داد و از این طریق جایگاه پاهندگان افغانی در ایران را ارتقا بخشید. او یک لشکر جهانی را سامان داد؛ لشکری که از آن بیشتر نیروهای افغانستانی و پاکستانی‌اش به چشم می‌آید اما دامنه بسیار وسیع‌تری دارد.

**ابتکارات دیپلماتیک**

**۱ - بازیابی روابط میان ایران و عربستان سعودی**

سلیمانی فرمانده نظامی بود و با تکیه بر قدرت نظامی در میدان، برخی از پرونده‌های دیپلماتیک را نیز مدیریت می‌کرد. احیای روابط با عربستان سعودی، یکی از این پرونده‌ها بود. آنطور که حسین امیرعبداللهیان، وزیر خارجه گفته، زمانی که امیرعبداللهیان معاون وزیر خارجه بود، سردار سلیمانی از او خواسته در سفر به عربستان به مقامات این کشور بگوید «به رغم اختلافات موجود،

اکنون نسبت به ظلم در دیگر نواحی حساس شده، زیرا به این درک رسیده‌اند که پایه‌گذاری یک بحران در نقطه‌ای می‌تواند به نقطه دیگر سرایت کند؛ مانند پایه‌گذاری صهیونیسم در فلسطین و تجاوزاتش به سوریه و لبنان، پایه‌گذاری تکفیری‌ها در سوریه و سرایت آن به عراق و تلاش برای انتقالش به لبنان.

**۵ - احترام به کتک‌ها و ایجاد وحدت در کتک**

در عراق چندین گروه مقاومتی با مأموریت، مرام و خاستگاه‌های متفاوت ایجاد شده‌اند. برخی از آنها گروه‌های انشعابی از گروه‌های مادر بودند که به‌دلیل اختلاف راه خود را جدا کرده بودند. حاج قاسم با احترام به خواست گروه‌ها و روش‌های فکری متفاوت، آنها را طرد نکرد و ضمن دادن فضا به آنها برای رشد، این گروه‌های متکثر و واگرا را در فرصت‌هایی با یکدیگر در قالب حرکت‌های هماهنگ و اهداف مشابه حرکت داد.

**۶ - تشکیل گروه‌های چابک**

گروه‌های مقاومتی متعددی در منطقه تشکیل شده که تعداد اعضای آن اندکند اما می‌توانند عملیات‌های خلاقانه و شجاعانه‌ای را در چهارچوب مرزهای وطن خود یا خارج از آن طراحی و اجرایی کنند. شاخصه آنها چابکی است که به‌سرعت می‌توانند وارد عمل شوند. اقدامات صورت گرفته در سوریه و عراق توسط گروه‌های مقاومتی علیه رژیم و آمریکا باافاصله پس از طوفان الاقصی با این موضوع مرتبط است.

**۱ - ابتکارات مدیریتی عدم تبعیت از فرمول‌های رایج نظامی**

بسیاری از اقدامات سلیمانی را نمی‌توان با فرمول‌ها و قواعد رایج نظامی دنیا معنا کرد. مرحوم حسین شیخ‌الاسلام، سفیر اسبق ایران در سوریه در کتاب خاطراتش نوشته که برنامه‌ریزی سلیمانی «دقیق» و براساس «اقدام» دشمن بوده است: «یک برنامه‌ریزی متحرک و دینامیک که براساس موقعیت، همه استراتژی‌هایش تغییر می‌کند.» او در جنگ، از فرمول‌های ارتش‌های دنیا تبعیت نکرد؛ چراکه تبعیت از این الگوها مسیر را برای ابتکارات نظامی مسدود می‌کرد. اساساً ابتکار نظامی زمانی کارایی دارد که دیگران از آن مطلع نباشند. تاکتیک‌های سردار سلیمانی با الهام از آن اینکه «آنچه نزد ما هست در نزد غربی‌ها نیست» و همچنین ایمان به این بود که جبهه کفر و الحاد و مخالفان اسلام شکست‌خورده‌نی هستند.

**۲ - ساختار چابکی جنگی حتی در زمان صلح**

در دو دهه گذشته و در جنگ‌های مختلف ثابت شد ساختار چابکی که سلیمانی تدارک دید، از عهده کار برآمده است. اغلب اوقات گمان می‌شود موفقیت وابسته به این است که در ساختار جزئیات دیده و برای هر جزئی، متولی جداگانه‌ای در نظر گرفته شود که بتواند به‌طور خودکار و بدون نیاز به «عصر رهبری سازمانی» کار خود را کند. سیدرضی و حاج قاسم معتقد بودند چنین ساختاری، ساختار زمان صلح است نه ساختار زمان جنگ. سیدرضی در سوریه با تعداد محدودی دست به کار شد.

که آمریکایی‌ها در آن گام بردارند یا در آن نقطه مقاومت حضور دارد یا در تیررس گروه مقاومت هستند.

**۲ - انتقال تدارکات**

بدون سلاح، پیروزی در جنگ معنا ندارد. سلیمانی با وجود تمام پیچیدگی‌ها توانست در لبنان و فلسطین دست مقاومت را پر کند. غرب با استفاده از ساختارها بر تمام امور نظارت دارد. می‌توان گفت که انتقال سلاح به لبنان آسان است اما این موضوع با توجه به سیطره اطلاعاتی و اداری آمریکا آسان نیست. فرودگاه‌ها، مرزهای زمینی و... به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم تحت اشراف افسران و عوامل نفوذی قرار گرفته‌اند و هم‌زمان تحت رصد الکترونیکی نیز قرار دارند. چگونگی انتقال تدارکات، نقشه‌ها، افراد به میدان‌های نبرد و میان میدان‌ها بسیار قابل توجه است. قاعدتاً نحوه این ابتکارات به‌دلیل چگونگی بودن مشخص نیست. هنوز مشخص نیست که چگونه، ولی فرماندهان مقاومت می‌گویند در زمانی که هیچ‌کس باور نمی‌کرد چطور می‌توان سلاح به باریکه غزه رساند، سلیمانی شخصاً وارد میدان شد و به چندین کشور سفر کرد تا بررسی کند چگونه می‌توان تسلیحات را به غزه رساند. شاهکار او البته متعلق به زمانی است که رهبر انقلاب دستور تسلیح کرانه باختری را صادر کردند. کرانه، تحت شدیدترین نظارت‌های صهیونیستی و تشکیلات خودگردان بود اما حالا در این منطقه حتی تسلیحات اسرائیلی هم قابل‌دسترس هستند. سلیمانی در منطقه‌ای که از لحاظ نظری و تئوریک امکان انتقال یک فشنگ هم وجود ندارد، موشک و راکت به غزه رساند تا که رهبر انقلاب دستور تسلیح کرانه باختری را صادر کردند.

**۳ - ساخت سلاح در نقطه دفاع**

در بیش سلیمانی، انتقال سلاح برای شروع لازم نبود اما باید مقاومت به نقطه‌ای می‌رسید که تحت هر شرایطی بتواند سلاح تولید کند. در نظر او به‌جای آنکه تمام طرح‌های تامین تسلیحاتی به‌صورت ارسال باشد، در مواقعی ماهیگیری به گروه‌ها یاد داده شد تا آنها بتوانند خود سلاح بسازند. این مساله انعطاف زیادی به گروه‌های مقاومت داده است، به‌گونه‌ای که تحت‌محاصره آنها سلاح می‌سازند. بخش قابل توجهی از سلاح‌های جنگی مقاومت، در تراشکاری‌های زیرزمینی در غزه تولید می‌شود. در یمن هم وضع به همین منوال است. همین مساله باعث شده تا با وجود محاصره شدید، نه یمن در جنگ همه‌جانبه تسلیم نشود و نه غزه در برابر دشمن صهیونیستی عقب‌نشینی کند.

**۴ - وحدت میدان‌ها**

بزرگ‌ترین اقدام سلیمانی، مرتبط ساختن گروه‌های مقاومت با یکدیگر بود. تا پیش از جنگ غزه، غرب از محور مقاومت هیچ تصویر روشنی نداشت و گمان می‌کرد این تنها یک لفظ است اما در جنگ، از این محور مقاومت رفع ابهام شد و جبهه‌های متعدد علیه صهیونیست‌ها و آمریکا در یمن، لبنان و عراق فعال شدند. مردم منطقه

هیچ‌کس نمی‌دانست. دو قرن بعد، درباره تحولات غرب آسیا پیویژه پس از سال ۲۰۰۰ چگونه سخن گفته می‌شود اما امکان ندارد به‌حمله نظامی آمریکا به عراق یا ظهور داعش در سوریه و عراق برسد و نامی از سیهید شهید حاج قاسم سلیمانی نبیند. او بود که آمریکا را در عراق زمینگیر و در افغانستان قدرتمندترین قدرت آن روز را از تروریسم را خشکاند تا تبدیل به بزرگ‌ترین زئرال قرن ۲۱ شود.

فهیختگان نوشت: سلیمانی اگرچه منحصربه‌فردترین شخصیت نظامی ایران است اما او یک «حادثه» یا «اتفاق» در ایران نبود. او یکی از آن هزاران مردی است که در مکتب خمینی رشد کردند و قد کشیدند تا بساط ظلم و جور را از سر دنیا کوتاه کنند. او تکرار علی هاشمی، حسن باقری، حسین خزازی و احمد کاظمی برای نسلی بود که نه جنگ را دیده بودند و نه فرماندهان آسمانی‌اش را. لطف خداوند سلیمانی را از گردن بلایا و مصیبت‌ها در امان نگه داشت تا چند دهه بعد از جنگ، یک‌بار دیگر «انسانیت» را نجات بخشید. او رفت اما همچون مکتب خمینی، تشعشعات اقداماتش، همچنان گریبانگیر دشمنان ایران و اسلام شده است.

هیچ‌کس فکرش را نمی‌کرد که هزار و ۳۷۴ روز پس از شهادت او، در هفتم اکتبر ۲۰۲۳، دشمن صهیونیستی سخت‌ترین ضربه طول تاریخ جعلی‌اش را بخورد. سلیمانی نیست اما ابتکار او، به‌جای غزه، چندین جبهه را علیه دشمن صهیونیستی فعال کرده است. تا پیش از جنگ هیچ‌کس تصور نمی‌کرد، جبهه یمن به قدرتمندترین میدان علیه دشمن صهیونیستی تبدیل شود. این را اما سلیمانی به‌خوبی می‌دانست و از همین رو بذر چنین درخت تناوری را در یمن کاشت. او مرد ابتکارات در شرایط بحرانی بود و از این رو می‌گفت فرصتی که در تهدیدات است، در فرصت‌ها نیست. در آستانه سالگرد شهادت فرمانده فقید نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، بخش کوچکی از ابتکارات سپهید سلیمانی پرداخته شده است.

**۱ - طراحی محلی دفاع**

در استراتژی سلیمانی، در مبارزه با دشمن صهیونیستی تشکیل گروه و دسته همسو با ایران چندان اهمیت نداشت. او با هوشیاری به‌جای تشکیل گروه و زمینه‌سازی برای اختلاف و درگیری داخلی، از زمینه‌های موجود در گروه‌های محلی برای تقویت استفاده کرد. نمونه آن تقویت جنبش حماس به‌جای تشکیل یک گروه به‌جای آن است. او معتقد بود در هر منطقه گروهی که تشکیل شده، بیشترین سطح انطباق را با محیط دارد. از همین رو و با درک مذهب مردم فلسطین، به‌صراحت می‌گفت «ما به‌خاطر منافع شیعی به فلسطین کمک نمی‌کنیم، بلکه اگر کسی اظهار شیعی کند، با او کاری نداریم، چراکه ۹۹ درصد فلسطین اهل تسنن هستند، ولی ما از آنها دفاع می‌کنیم.» این استراتژی باعث شده در هر نقطه‌ای از منطقه

## مهندس سلیمانی

هیچ‌کس نمی‌دانست. دو قرن بعد، درباره تحولات غرب آسیا پیویژه پس از سال ۲۰۰۰ چگونه سخن گفته می‌شود اما امکان ندارد به‌حمله نظامی آمریکا به عراق یا ظهور داعش در سوریه و عراق برسد و نامی از سیهید شهید حاج قاسم سلیمانی نبیند. او بود که آمریکا را در عراق زمینگیر و در افغانستان قدرتمندترین قدرت آن روز را از تروریسم را خشکاند تا تبدیل به بزرگ‌ترین زئرال قرن ۲۱ شود.

فهیختگان نوشت: سلیمانی اگرچه منحصربه‌فردترین شخصیت نظامی ایران است اما او یک «حادثه» یا «اتفاق» در ایران نبود. او یکی از آن هزاران مردی است که در مکتب خمینی رشد کردند و قد کشیدند تا بساط ظلم و جور را از سر دنیا کوتاه کنند. او تکرار علی هاشمی، حسن باقری، حسین خزازی و احمد کاظمی برای نسلی بود که نه جنگ را دیده بودند و نه فرماندهان آسمانی‌اش را. لطف خداوند سلیمانی را از گردن بلایا و مصیبت‌ها در امان نگه داشت تا چند دهه بعد از جنگ، یک‌بار دیگر «انسانیت» را نجات بخشید. او رفت اما همچون مکتب خمینی، تشعشعات اقداماتش، همچنان گریبانگیر دشمنان ایران و اسلام شده است.

هیچ‌کس فکرش را نمی‌کرد که هزار و ۳۷۴ روز پس از شهادت او، در هفتم اکتبر ۲۰۲۳، دشمن صهیونیستی سخت‌ترین ضربه طول تاریخ جعلی‌اش را بخورد. سلیمانی نیست اما ابتکار او، به‌جای غزه، چندین جبهه را علیه دشمن صهیونیستی فعال کرده است. تا پیش از جنگ هیچ‌کس تصور نمی‌کرد، جبهه یمن به قدرتمندترین میدان علیه دشمن صهیونیستی تبدیل شود. این را اما سلیمانی به‌خوبی می‌دانست و از همین رو بذر چنین درخت تناوری را در یمن کاشت. او مرد ابتکارات در شرایط بحرانی بود و از این رو می‌گفت فرصتی که در تهدیدات است، در فرصت‌ها نیست. در آستانه سالگرد شهادت فرمانده فقید نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، بخش کوچکی از ابتکارات سپهید سلیمانی پرداخته شده است.

**۱ - طراحی محلی دفاع**

در استراتژی سلیمانی، در مبارزه با دشمن صهیونیستی تشکیل گروه و دسته همسو با ایران چندان اهمیت نداشت. او با هوشیاری به‌جای تشکیل گروه و زمینه‌سازی برای اختلاف و درگیری داخلی، از زمینه‌های موجود در گروه‌های محلی برای تقویت استفاده کرد. نمونه آن تقویت جنبش حماس به‌جای تشکیل یک گروه به‌جای آن است. او معتقد بود در هر منطقه گروهی که تشکیل شده، بیشترین سطح انطباق را با محیط دارد. از همین رو و با درک مذهب مردم فلسطین، به‌صراحت می‌گفت «ما به‌خاطر منافع شیعی به فلسطین کمک نمی‌کنیم، بلکه اگر کسی اظهار شیعی کند، با او کاری نداریم، چراکه ۹۹ درصد فلسطین اهل تسنن هستند، ولی ما از آنها دفاع می‌کنیم.» این استراتژی باعث شده در هر نقطه‌ای از منطقه



## حاج قاسم و سقوط شوکت آمریکا

ادامه از صفحه نخست

همه اینها، حق مسلمی را به آمریکا داده بود که خود را "رهبر دنیا" بداند. آمریکایی‌ها، عمدتاً قائل به استثناگرایی هستند؛ جناح محافظه‌کار که مذهبی‌تر است این استثناگرایی را به خدا وصل کرده و خود را نظر کرده‌الهی می‌داند و این مفهوم، در مانیفست برخی احزاب آمریکائی نیز آمده است. این مفاهیم، البته بین ایرانیان چندان بازتاب ندارد، اما مردم با ترجمه آن آشنا هستند: "استکبار"، که از نظر آمریکائی‌ها، نوعی برتری طبیعی محسوب است و حق ایجاد می‌کند؛ من برترم چون خودم می‌گویم، پس همه دنیا باید تابع میل و رهبری و مفاهیم من باشد.

با همین ادعای رهبری دنیا، ایالات متحده تلاش کرد تجربه بلعیدن آسان سرزمین سرخپوست‌ها را تکرار کرده و سراغ غرب آسیا بیاید. غارت مردم و آواره کردن و تاراندن از خاکشان یک موفقیت و موهبت است، نه جنایت! استکبار باید تعیین کند چه کسی به راست برود و چه کسی به چپا! چه کسی زنده باشد، و چه کسی مرده! چه کسی مدافع است و چه کسی تروریست. ضعف شدید ملت‌های غرب آسیا هم که روی این خوی متوحش استکباری اضافه کنی، دیگر در و تخته جور است. و نوید "سرزمین موعود" جدیدی را می‌دهد که اتفاقا خیلی هم غنی از ثروت است. آمریکائی‌ها به خاک سرخپوست‌ها نیز "سرزمین موعود" می‌گفتند و می‌گویند.

کشورهائی که آمریکا و اسرائیل نتوانسته بودند با کودتا و جنگ نرم به زیر سلطه خود در آورند، فهرست شدند و قرار شد بعد از حادثهٔ ۱۱ سپتامبر، زیر پوشش جلب خشم و احساسات جهانی، اشغال شوند! یکی از این کشورها ایران بود، ایرانی که با مشاهدهٔ این دریدگی، باید تعارف را با این جبههٔ متوحش و متجاوز کنار می‌گذاشت؛ این، شروع مقابلهٔ جدی و مستقیم ایران با غرب و محل درخشش حاج قاسم سلیمانی در رأس نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود که به مثابهٔ دفاع از نفس، دست درازی متجاوز را پاسخ گوید.

یک فرمانده به مثابهٔ یک درخت ریشه دار در تمدن ایران یک طرف، یک سیستم تازه به دوران رسیدهٔ خود رهبر پندار هم یک طرف! در طول سالهای نبرد تقریباً ده هزار میلیارد از سرمایه‌های آمریکا فنا شد، این مبلغ با مقیاس بودجهٔ سالانهٔ امروز ایران، معادل پنجاه سال هزینه است؛ حاج قاسم این کار با کمترین خرج ممکن و زیر خیانت و کارشکنی غربگرایان داخلی انجام داد.

فرائض، باخت آمریکا در برابر حاج قاسم، فقط سرمایه‌های مادی نبود؛ آمریکا در مصاف با ایران حاج قاسم، همهٔ رُست و ادعای اخلاقی و شرف و شوکت خود را باخت! گسترش جبههٔ مقاومت، خارج کردن یمن از استعمار صهیونیستی و جمع کردن داعش پروژهٔ آمریکا، مسلح کردن فلسطین به سلاح و تامین دائم سلاح و امکان تاب‌آوری، میراث بارز حاج قاسم است. این میراث است که امروز فرصت قیام به مردم فراموش شدهٔ فلسطین داد و آگاهی و پیداری در سراسر دنیا علیه بی‌اخلاقی، زیارتی، توحش و جنایتکاری آمریکا و اسرائیل را شعله‌ور و برگشت‌ناپذیر کرد و لبنان آمریکا را سوزاند. تنها کاری که دربرابر این حجم عظیم ناکامی و خسبران و ضرر از دست آمریکا بر می‌آمد ترور بزدلانهٔ حاج قاسم بود!

دیگر خبری از از پرستیژ و شرافت انسانی و ظاهر بشری تمدن پیشروی آمریکائی نیست، حامیان فرومایهٔ این ایالات متحدهٔ شیطان بزرگ هم با ردالت تمام از لذت سوزاندن و اربا اربا کردن جسد حاج قاسم شهید، سخن می‌گویند و جسد سوختهٔ یک انسان، یک میهمان رسمی دیپلماتیک در پناه در یک کشور دیگر را با همان توحش اشغالگری در قارهٔ آمریکا، با یک نوع غذا مقایسه می‌کنند. این همان کشوری است که روزی تلاش می‌کرد خود را بالغ نشان دهد و حالا در میان قاطبهٔ مردم دنیا، به عنوان سیاترین عامل و حامی جنایت در حق بشریت شناخته می‌شود.

## بوی ماه حاج قاسم

دی، ماه یاد است. یاد یاری که در شدت سرمای این ماه شعله‌ای روشن کرده جاویدان. می‌گویند لئون تالستوی، نویسنده ملی نام‌آور روس، در اواخر عمر به با قطار به سفری می‌رود که در همان سفر ذات‌الریه می‌گیرد و می‌میرد. اما در حرکتی ذوق‌مندانه ساعت ایستگاهی که تالستوی از آن پیاده شد و هیچ گاه از آن محل زنده بیرون نیامد، روی ۶ و ۵ دقیقه، یعنی ساعت و دقیقه مرگ او عمداً متوقف شده.

شاید به یاد و نماد همه چیزهایی که با مرگ تالستوی متوقف شد. به یاد قطارهای بی‌پایانی که از کلمات ردیف می‌کرد و بر عزت ملت روس می‌افزود و با مرگ او از حرکت ایستاد. به یاد خلق آثار بزرگی که جامعه را نقد می‌کرد و ملت را می‌ستود و با مرگ او، دیگر بر شمار آن آثار اضافه نمی‌شود.

آری، یک نویسنده هرچقدر هم که بزرگ و محترم، با مرگش پایان می‌گیرد؛ آثار او جاویدانند اما تالستوی دیگر نمی‌تواند کتابی بنویسد. اما احباب شهید جداسد. ساعت دل‌های ما نیز روی ۱ و ۶ دقیقه باامداد متوقف شده اما خون شهید هرگز متوقف نمی‌شود و همچنان فتح می‌کند، پیروزی می‌آفریند و ثمره می‌دهد.

سالار شهیدان فرمود: «والله لایسکن دمی حتی بیعت الله المهدی؛ یعنی از خون سرخ سیدالشهداست که درخت سبزه قیام بقیه‌الله سر بیرون می‌آورد. خون هر یک از شهدا نیز شاخه‌ای است که از رودخانه خون ابا عبدالله که منشعب شده و سکون ندارد. اگر ساعت قلب‌مان روی یک و بیست دقیقه مانده دلپاش اوج تپش و هیجانی است که از دقیقه می‌تراود.

با شهادت حاج‌قاسم خیللی چیزها متوقف شد. مثل فعالیت‌هایی که از شدت کثرت، تنها خواندن گزارش آن‌ها شخصیتی چون رهبر معظم انقلاب که استاد خواندن است و با آن عهدی دیرین دارد را خسته می‌کند. مثل سهمیه مردم‌گونه‌ای که هرچند وقت یک بار بر زبان می‌آورد و دل اعضای جامعه را به هم نزدیک می‌کند؛ مثل حماسه‌آفرینی‌هایی که روح ایرانیان را سیراب می‌کند؛ مثل جلسه‌های نابی از اخلاص که نشان آن را در هر کسی نمی‌توان جست.

حاج‌قاسم پر از خصوصیات منحصر به فردی بود که با پایان زندگانی دنیوی‌اش، ما دیگر از آن‌ها محرومیم. اما شهادت او طلوع صبحی بود که خیلی چیزها در آن آغاز می‌شود. انتقام، تلاش برای رسیدن به ایران قوی، درخشش یافتن دوباره ارزش‌های انقلاب، یادآوری شدن دوباره خصوصیات امام خمینی و خونی که در رگ‌ها می‌جوشد تا ایران حاج‌قاسم را به رستاخیزی عظیم برساند.

دی‌ماه، بهانه‌ای دیگر برای عاشقی کردن است و ماه یاد است. یاد یاری که در شدت سرمای این ماه شعله‌ای روشن کرده جاویدان. می‌گویند لئون تالستوی، نویسنده ملی نام‌آور روس، در اواخر عمر به با قطار به سفری می‌رود که در همان سفر ذات‌الریه می‌گیرد و می‌میرد. اما در حرکتی ذوق‌مندانه ساعت ایستگاهی که تالستوی از آن پیاده شد و هیچ گاه از آن محل زنده بیرون نیامد، روی ۶ و ۵ دقیقه، یعنی ساعت و دقیقه مرگ او عمداً متوقف شده.

شاید به یاد و نماد همه چیزهایی که با مرگ تالستوی متوقف شد. به یاد قطارهای بی‌پایانی که از کلمات ردیف می‌کرد و بر عزت ملت روس می‌افزود و با مرگ او از حرکت ایستاد. به یاد خلق آثار بزرگی که جامعه را نقد می‌کرد و ملت را می‌ستود و با مرگ او، دیگر بر شمار آن آثار اضافه نمی‌شود.

سالار شهیدان فرمود: «والله لایسکن دمی حتی بیعت الله المهدی؛ یعنی از خون سرخ سیدالشهداست که درخت سبزه قیام بقیه‌الله سر بیرون می‌آورد. خون هر یک از شهدا نیز شاخه‌ای است که از رودخانه خون ابا عبدالله که منشعب شده و سکون ندارد. اگر ساعت قلب‌مان روی یک و بیست دقیقه مانده دلپاش اوج تپش و هیجانی است که از دقیقه می‌تراود.

با شهادت حاج‌قاسم خیللی چیزها متوقف شد. مثل فعالیت‌هایی که از شدت کثرت، تنها خواندن گزارش آن‌ها شخصیتی چون رهبر معظم انقلاب که استاد خواندن است و با آن عهدی دیرین دارد را خسته می‌کند. مثل سهمیه مردم‌گونه‌ای که هرچند وقت یک بار بر زبان می‌آورد و دل اعضای جامعه را به هم نزدیک می‌کند؛ مثل حماسه‌آفرینی‌هایی که روح ایرانیان را سیراب می‌کند؛ مثل جلسه‌های نابی از اخلاص که نشان آن را در هر کسی نمی‌توان جست.

حاج‌قاسم پر از خصوصیات منحصر به فردی بود که با پایان زندگانی دنیوی‌اش، ما دیگر از آن‌ها محرومیم. اما شهادت او طلوع صبحی بود که خیلی چیزها در آن آغاز می‌شود. انتقام، تلاش برای رسیدن به ایران قوی، درخشش یافتن دوباره ارزش‌های انقلاب، یادآوری شدن دوباره خصوصیات امام خمینی و خونی که در رگ‌ها می‌جوشد تا ایران حاج‌قاسم را به رستاخیزی عظیم برساند.

دی‌ماه، بهانه‌ای دیگر برای عاشقی کردن است و ماه یاد است. یاد یاری که در شدت سرمای این ماه شعله‌ای روشن کرده جاویدان. می‌گویند لئون تالستوی، نویسنده ملی نام‌آور روس، در اواخر عمر به با قطار به سفری می‌رود که در همان سفر ذات‌الریه می‌گیرد و می‌میرد. اما در حرکتی ذوق‌مندانه ساعت ایستگاهی که تالستوی از آن پیاده شد و هیچ گاه از آن محل زنده بیرون نیامد، روی ۶ و ۵ دقیقه، یعنی ساعت و دقیقه مرگ او عمداً متوقف شده.

شاید به یاد و نماد همه چیزهایی که با مرگ تالستوی متوقف شد. به یاد قطارهای بی‌پایانی که از کلمات ردیف می‌کرد و بر عزت ملت روس می‌افزود و با مرگ او از حرکت ایستاد. به یاد خلق آثار بزرگی که جامعه را نقد می‌کرد و ملت را می‌ستود و با مرگ او، دیگر بر شمار آن آثار اضافه نمی‌شود.

سالار شهیدان فرمود: «والله لایسکن دمی حتی بیعت الله المهدی؛ یعنی از خون سرخ سیدالشهداست که درخت سبزه قیام بقیه‌الله سر بیرون می‌آورد. خون هر یک از شهدا نیز شاخه‌ای است که از رودخانه خون ابا عبدالله که منشعب شده و سکون ندارد. اگر ساعت قلب‌مان روی یک و بیست دقیقه مانده دلپاش اوج تپش و هیجانی است که از دقیقه می‌تراود.

با شهادت حاج‌قاسم خیللی چیزها متوقف شد. مثل فعالیت‌هایی که از شدت کثرت، تنها خواندن گزارش آن‌ها شخصیتی چون رهبر معظم انقلاب که استاد خواندن است و با آن عهدی دیرین دارد را خسته می‌کند. مثل سهمیه مردم‌گونه‌ای که هرچند وقت یک بار بر زبان می‌آورد و دل اعضای جامعه را به هم نزدیک می‌کند؛ مثل حماسه‌آفرینی‌هایی که روح ایرانیان را سیراب می‌کند؛ مثل جلسه‌های نابی از اخلاص که نشان آن را در هر کسی نمی‌توان جست.

حاج‌قاسم پر از خصوصیات منحصر به فردی بود که با پایان زندگانی دنیوی‌اش، ما دیگر از آن‌ها محرومیم. اما شهادت او طلوع صبحی بود که خیلی چیزها در آن آغاز می‌شود. انتقام، تلاش برای رسیدن به ایران قوی، درخشش یافتن دوباره ارزش‌های انقلاب، یادآوری شدن دوباره خصوصیات امام خمینی و خونی که در رگ‌ها می‌جوشد تا ایران حاج‌قاسم را به رستاخیزی عظیم برساند.

دی‌ماه، بهانه‌ای دیگر برای عاشقی کردن است و ماه یاد است. یاد یاری که در شدت سرمای این ماه شعله‌ای روشن کرده جاویدان. می‌گویند لئون تالستوی، نویسنده ملی نام‌آور روس، در اواخر عمر به با قطار به سفری می‌رود که در همان سفر ذات‌الریه می‌گیرد و می‌میرد. اما در حرکتی ذوق‌مندانه ساعت ایستگاهی که تالستوی از آن پیاده شد و هیچ گاه از آن محل زنده بیرون نیامد، روی ۶ و ۵ دقیقه، یعنی ساعت و دقیقه مرگ او عمداً متوقف شده.



**حاج قاسم ما را ببخش که می‌خواهیم برایت بگوییم که بیش از ۷۰ روز است که اسرائیل بمبهای فسفوری در غزه می‌اندازد و بیش از ۲۳ هزار کودک، مرد و زن فلسطینی تکه تکه شده اند، مرده ها را می‌دزدند برای استفاده از پوست آنها، به زنان تعرض می‌کنند، چندین نفر را زنده زنده دفن کردند، چندین کودک در بیمارستان تجزیه شدند... اما اما سردار باورت می‌شود؟ مسیری تو جهانی شده است؟ مردم با «چفیه مقاومت، پرچم فلسطین و شعار فلسطین آزاد» در خیابان‌های سانفرانسیسکو، فرانسه، آلمان، پاریس، لندن، واشنگتن، تگزاس، نیویورک، سوئد، استامبول، ترکیه، ایتالیا، آرژانتین ... و در واقع تمام جهان. سردار اشک تو، مسیر تو، جهانی شده است.**

وی گفت: برای اولین بار شاهدیم ۱۰ هفته پیاپی مردم کشورهای آمریکایی و اروپایی به خیابان آمدند و روح حاج قاسم با روح ملت‌ها مزوج شد و ملت‌های مختلف با عدالت‌خواهی در حال هماهنگی هستند و امروز احساس می‌کنیم اندیشه‌های جدید منسجم شده‌اند تا جهان جدیدی

را خلق کنند. سخنگوی ستاد گرامیداشت چهارمین سالگرد شهادت سردار حاج قاسم سلیمانی گفت: امروز شاهد تجلی شهید سلیمانی در جای جای منطقه و جبهه مقاومت هستیم و دشمنان بزدل ما در پایگاه‌های آمریکایی، هر روز صدای حاج قاسم را می‌شنوند.

قسمتی را آماده کرده بودند تا هلی کوپتر بر زمین بنشیند اما آسفالت حسابی سنگ‌ریزه داشت به خاطر همین همه را خیلی عقب‌تر نگه داشته بودند تا سنگ‌ریزه‌ها به آدم‌ها برخورد نکند اما من روی پا بند نبودم و مدام جلو می‌رفتم، فقط از پشت سر صداهایی می‌شنیدم که می‌گفتند: کمالی بیا عقب. توجهی نمی‌کردم فقط با دست جلوی لنز دوربین را گرفته بود تا نشکند. سنگ‌ریزه‌ها مدام به سر و صورتم می‌خورند. بعد از چند دقیقه بلند شدم و دویدم تا از سردار عکس بگیرم اما کاروان عظیمی راه افتاده بود و حسابی شلوغ شده بود، خود حاج قاسم یکی دو تا از مناطقی که از نظر استراتژیکی حساس‌تر بودند را انتخاب کرده بود تا از نزدیک به دل آب بزند و وضعیت مردم را ببیند. حتی وقتی توی روستا تیم حفاظت مردم را عقب می‌زدند خود حاجی به تیمش گفت کاری به مردم نداشته باشید. حاج قاسم جوری مردم را توی بغل می‌گرفت و سرشان را می‌بوسید که من غرق حرکتش شده بود و به کل یادم رفته بود عکس بگیرم.

اصلاً حاج قاسم طوری با مردم منطقه عربی فصیح صحبت می‌کرد انگار خودش بچه همان جا بود. ژنرالی که داعشی‌ها حتی از سایه‌اش هم وحشت داشتند خیلی خودمانی وسط روستا ایستاده بود، میان همان گل و لای، میان مردمی خونگرم با چهره‌های خسته و آفتاب سوخته ایستاده بود و حرفشان را یکی یکی می‌شنید. من خودم به چشم دیدم مردمی که کمرشان زیر این آوار خم شده بود، حاج قاسم را که دیدند کمر راست کردند. بغض توی گلویشان گلوله گلوله اشک می‌شد و از چشم‌های خسته و کم‌خوابیده‌شان سرازیر می‌شد. مردم انگار یادشان رفته بود هست و نیستشان را آب برده هر کدام به طرفی مهمان‌نوازشان را به سردار نشان می‌دادند.

## مصاحبه با ژنرال

می‌دانستم ژنرال ما خیلی اهل مصاحبه نیست اما دوست داشتم با او حرف بزنم، به هر ضرب و زوری بود خودم را جلو کشاندم. توی صورت مهرپاشش که نگاه کردم حرفم پادم رفت. یک ثانیه بیشتر سکوت طول می‌کشید با سیل جمعیت عقب می‌رفتم. وقت من کردن و حرف نزدن نبود. باید زیاد در دهان می‌چرخاندم:

—حاجی خداقوت، رضا کمالی‌ام از چهارمحال و بختیاری اومدم اینجا... چه وقت معرفی بود نمی‌دانم. هول شده بودم امسا حاجی گفت خب که چه، عوض گرم لیخند زد

—به یقین خوب، خداقوت، خدا عاقبتون رو بخیر کنه. انرژی گرفتم حس کردم فقط من هستم و حاجی، خبری از بقیه جمعیت نیست، صاف ایستاده بودم جلوی مرد میدان و حرف می‌زدم اما همین که گفتم مصاحبه با نه‌ای که از سردار شنیدم انگار سطل آب یخ روی سرم خالی کردند. با آن وقت کم، زیاد وقت کنار نبود چند باری رو انداختم اصرار کردم که آرزویم همین مصاحبه است اما سردار زیر بار نرفت. کنارش راه می‌رفتم، بغض داشت خفهام می‌کرد چشم‌هایم خیس اشک شده انگار کشتی‌هایم به گل نشسته بود؛ من مثل مردم خوزستان صورت

نمودم زدم زیر گریه، مرد گنده وسط آن همه آدم اشک می‌ریختم. حاجی که گریه‌های مرا دید، جلو آمد دستی توی سرم کشید و گفت: چی بگم؟ اصلاً انگار دنیا را به من داده بودند، مصاحبه که تمام شد، ژنرال چفیه‌اش را به من داد... باز هم اشک‌هایم جاری شد. سیل برای هر که هیچ نداشت برای من پر از خیر بود، حالا بعد از چهار سال و نیم وقتی صدای مصاحبه ضبط شده توی گوشی و عکس پس زمینه را می‌بینم بغض می‌کنم. چه خوب شد برگشتم. کاش ژنرال ام برمی‌گشت، فارس

## ناگفته‌های یک عکاس از روزی که حاج قاسم به دل سیل زد



بغض داشت خفهام می‌کرد چشم‌هایم خیس اشک شده انگار کشتی‌هایم به گل نشسته بود؛ من مثل مردم خوزستان صورت نبودم زدم زیر گریه، مرد گنده وسط آن همه آدم اشک می‌ریختم؛ حاجی که گریه‌های من را دید، جلو آمد دستی روی سرم کشید و گفت: چی بگم؟ از همان بچگی، همان وقت‌هایی که تازه دست چپ و راستمان را شناخته بودیم، بابا یادمان داده بود همسایه آدم، خیلی عزیز است باید هوایش را داشته باشیم، پادم نمی‌آید خانم جان این جمله را گفته باشد اما تا همین امروز این منسق بابا را اجرا کرده است، اصلاً نشده است یک روز خانم جان نان تازه بپزد یا غذایش کمی اعیانی شود، قبل از اینکه نان و غذا را سر سفره خودمان بیابورد یک ظرف پُر می‌کند برای همسایه.

## سیل در خانه همسایه

عید سال ۹۸ بود، همه مشغول دید و بازدید و گشت و گذار بودیم که خبر آمد خانه همسایه‌مان، خوزستان، را آب برده است، این بار وقتش بود حرف‌های بابا و خاتم‌جهان را دیکته کنم و هوای همسایه را داشته باشم. اما انگار همه مردم استان زودتر از من، دست به کار شده بودند تا هر چه سر سفره دارنده برای همسایه عزیزشان بدهند.

دوربین به دست شدم و کوله تجهیزات را هم به دوش انداخته بودم تا همراه این سیل محبت مردم راهی خوزستان شوم. آشنا و فامیل که فهمیدند من هم راهیم انگار که دلشان قرص تر شده باشد هر چه خوراکی برای عید خریدند بودند از کیسه برنج بگیر تا آجیل و حتی لباس‌های نو را دستم می‌دادند تا به مردم سیل‌زده برسانم. اگر بگویم مردم حتی فرش دست‌بافشان را هم فرستاده بودند دروغ نگفتم.

## سیل زندگی مردم را غارت کرده بود

بعد از رسیدن به اهواز راهی شوشتر شدم از آنجا هم قرار شد با بچه‌هایی که برای کمک از چهارمحال و بختیاری آمده بودند راهی شسبیه شوم، می‌خواستم فریم به فریم عکس بگیرم و مستندسازی کنم. خیر داده بودند خانه همسایه سیل آمده فقط چندتا فیلم دیده بودیم اما آن وسط تازه می‌شد عمق فاجعه را دریافت. سیل به خانه‌های رحم نکرده بود انگار مثل سال‌ها قبل باز سربازی



## سید رضی شبیه‌ترین رزمنده به حاج قاسم بود

سال ۱۳۷۰ قرعه به نام ما افتاد تا به لبنان برویم. تعدادی از دوستان دوران دفاع مقدس بودند که از کاشان و اصفهان به تهران رفتیم و در یادگان امام علی (ع) آموزش‌ها و جلسات توجیهی را پشت سر گذاشتیم. بعد به سمت سوریه پرواز کردیم. هواپیمای ما که در فرودگاه دمشق فرود آمد، تعدادی از بچه‌های حاضر در آنجا به استقبال ما آمدند. تا هماهنگی‌ها را صورت دهند. یک نفر آنجا به چشم می‌آمد.

جوان آنالین نوشت: جانباغ عباسعلی سعیدی‌پور در مقطعی به عنوان نیروی مستشاری به سوریه و لبنان می‌رود. در واقع پس از حضور قوای محمد (ص) به فرماندهی حاج احمد موسی‌یان در سوریه به صورت مستمر رزمندگان سپاه در قالب نیروهای مستشاری به این دو کشور (سوریه و لبنان) می‌رفتند و تشکیل حزب‌الله لبنان مولود این حضور مستمر است. سعیدی‌پور می‌گوید سال ۱۳۷۰ قرعه به نام او افتاد تا به سوریه و هم‌زمانش می‌افتد تا به عنوان مأموریتی چند ماهه به لبنان بروند. آن‌ها ابتدا به سوریه می‌روند و از آنجا به لبنان و نهایتاً شهر بعلبک عزیمت می‌کنند. در همان فرودگاه دمشق، جوانی که او را «سید» صدا می‌زدند، بسیار فعال بود و کارها را هماهنگ می‌کرد. فعالیتش به قدری بود که به چشم رزمندگان تازه وارد آمد و بعدها فهمیدند او کسی نیست جز سردار سید رضی موسوی که مسئولیت پشتیبانی سپاه در منطقه را داشت.

در گفتگو با سعیدی‌پور، به خاطراتی از شهید سید رضی موسوی و حاج قاسم سلیمانی پرداختیم که تقدیم حضورتان می‌شود.

**● گویا شما هم از حاج قاسم سلیمانی و هم از سید رضی موسوی خاطراتی دارید. این دو شهید را با هم ملاقات کردید؟**

در واقع خاطرات من از این دو بزرگوار به فاصله چند سال از هم و در مناطق مختلف بود، اما جالب است بدانید که تشابه شخصیتی این دو شهید به قدری بود که احساس می‌کردم سید رضی شبیه‌ترین خلایق را به شهید سلیمانی دارد. در واقع رزمندگان مکتبی خصوصیات دارند که باعث می‌شود خلق و خوی آن‌ها شبیه هم باشند. حاج قاسم و شهید سید رضی هم همین طور بودند.

**● الان که با هم گفتگو می‌کنیم، به تاگی خبر شهادت سردار سید رضی منتظر شده‌اید، چطور با ایشان آشنا شدید؟**

از زمان دفاع مقدس، رزمندگان برای کارهای مستشاری و به صورت مأموریتی به سوریه و لبنان می‌رفتند. برخی مثل شهید سید رضی موسوی آنجا مستقر بودند و تعداد بیشتری نیز

مثل ما دوره‌ای و مأموریتی به آنجا می‌رفتیم و برمی‌گشتیم. سال ۱۳۷۰ قرعه به نام ما افتاد تا به لبنان برویم. تعدادی از دوستان دوران دفاع مقدس بودند که از کاشان و اصفهان به تهران رفتیم و در یادگان امام علی (ع) آموزش‌ها و جلسات توجیهی را پشت سر گذاشتیم. بعد به سمت سوریه پرواز کردیم. هواپیمای ما که در فرودگاه دمشق فرود آمد، تعدادی از بچه‌های حاضر در آنجا به استقبال ما آمدند. تا هماهنگی‌ها را صورت دهند. یک نفر آنجا به چشم می‌آمد. مشخص بود که مسئولیت دارد و بسیار هم فعال و پرانرژی بود. ما او را نمی‌شناختیم ولی متوجه شدیم که در جمع نیروهای حاضر در آنجا نقطه اتکایی است. در همین لحظات صدای اذان را شنیدیم. چند نفر از نیروهای مستقر در فرودگاه گفتند برادرها بیایید کمک کنید تا بارهای هواپیمای را خالی کنیم. خدا رحمت کند سردار شهید مصطفی زاهدی را که برادر دو شهید دفاع مقدس بود. ایشان همسفری ما و بچه‌ها و بیدگل بود. زاهدی فوری گفت همین الان اذان پخش شد. ما اول نمازمان را می‌خوانیم، بعد هر کاری خواستید انجام می‌دهیم. زاهدی سال ۹۶ در دفاع از حرم به شهادت رسید.

**● چه زمانی از نزدیک با شهید موسوی کار کردید؟ منظورتون شناخت عمیق‌تر ایشان است.**

مقصود اصلی ما لبنان و شهر بعلبک بود. خیلی در سوریه نماندیم و سریع به بعلبک رفتیم. وقتی به آنجا رسیدیم، تغییر آب و هوا باعث شد بیمار شوم. حالم بسیار بد شده بود. مرا به بیمارستان بردند و کمی بعد گفتند ملاقاتی دارید. من و دو سه نفر از بچه‌های ایرانی که آنجا بستری بودیم خیلی تعجب کردیم که در این کشور غریب چه کسی به ملاقات ما آمده است. بعد دیدیم که همان سید فعال فرودگاه دمشق (شهید سید رضی موسوی) و یکی از برادرهای سپاه که در بیمارستان مسئولیت داشت به عیادت ما آمده‌اند. سید بسیار آدم دست و دلبازی بود. هر بار که به ملاقات ما می‌آمد، دست پر بود. برای من و بچه‌های هم اتاقی‌ام آمیوه و این چیزها می‌آورد و بسیار گرم و خودمانی برخورد می‌کرد. آنجا متوجه شدیم که ایشان مسئول پشتیبانی سپاه در منطقه است و ما هم قرار است نیروهای ایشان شویم. سید رضی بسیار هوای بچه‌هایش را داشت. این روحیات او ناخودآگاه آدم را یاد حاج قاسم سلیمانی می‌آنداخت.

**● با حاج قاسم در چه مقطعی هم‌رمز بودید؟**

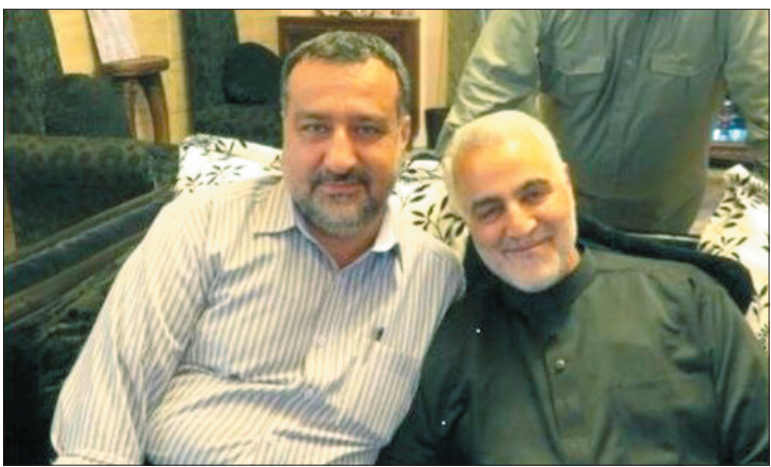
زمان جنگ، افتخار حضور در کنار حاج قاسم را داشتم ولی نه در مناطق عملیاتی دفاع مقدس. سال ۶۲ بعد از ورود به سپاه و اتمام دوران آموزشی، به ما گفتند نواحی جنوب

شرق کشور نیاز مبرم به حضور رزمندگان دارد. یادم است می‌گفتند سیستان و بلوچستان تنگه احد انقلاب است و باید آنجا را حفظ کنیم. البته من قبل از آن به عنوان بسیجی به جبهه رفته بودم. خلاصه طبق اعلام نیازی که شده بود، داوطلب حضور در مناطق مرزی جنوب شرق کشور شدم. معرفی‌نامه را از سپاه کاشان گرفتم و به اصفهان رفتم. از آنجا هم حکم حضور در سیستان و بلوچستان زده شد. ما نیروی تیپ عملیاتی سلمان در ایرانشهر بودیم. این تیپ وظیفه داشت تا تمام نواحی مرزی و مناطق آلوده به وجود اشراک و ضد انقلاب و قاچاقی‌ها را پوشش دهد و نیروهایش در این مناطق گشت‌زنی می‌کردند. اردو کشی گشت ما هر بار حدود ۲۵ الی یک ماه طول می‌کشید. این گشت‌زنی‌ها باعث شده بود تا اشراک احساس ناامنی کنند، اما در طرف مقابل، مردم بسیار از حضور نیروهای ما خوشحال و راضی بودند. هر جا که می‌رفتیم، با خوشرویی به استقبال‌مان می‌آمدند.

سیستان و بلوچستان زیر نظر سپاه منطقه شش کشوری در کرمان بود. حاج قاسم سلیمانی هم که آن موقع فرمانده تیپ ۴۱ نازاره بود. نیروهای این تیپ را سه استان کرمان، سیستان و هرمزگان تشکیل می‌دادند. خیلی وقت‌ها تیپ سلمان همراه بچه‌های تیپ نازاره کاروان گشت‌زنی راه می‌آنداختند. من برای اولین بار حاج قاسم را در جنوب شرق کشور دیدم. هر بار که به منطقه می‌آمد، با شخصیت خاصی که داشت، مثل آهن‌ربا بچه‌ها را جذب خودش می‌کرد. حاج قاسم بسیار هوای نیروهایش را داشت و از طرفی با رفتار گرم و صمیمانه‌ای که داشت، باعث می‌شد با یکبار دیدنش تا آخر عمر در خاطرت بماند. خصوصیات ایشان و شهید سید رضی موسوی بسیار شبیه هم بود.

**● بعدها باز هم حاج قاسم را دیدید؟**

سال‌ها بعد از دفاع مقدس، من بازنشسته شدم. سال ۹۲ برای دیدار عمومی با حضرت آقا به حسینیه امام خمینی (ره) رفته بودیم که در میدان ورودی حسینیه یک اتومبیل آمد و ناگهان حاج قاسم از آن پیاده شد. جمعی که آنجا بودیم ریختیم سسرش! ایشان هم بسیار با محبت ما با برخورد کرد. همگی خواستار این بودیم که ایشان هوای ما را داشته باشند تا بتوانیم به سوریه اعزام شویم. بحث سوریه و جبهه دفاع از حرم آن موقع تازه داشت رسانه‌ای می‌شد. حاج قاسم گفت که آنجا نیرو به قدر کافی است و آن‌ها الله بچه‌های حاضر در سوریه می‌توانند خودشان فتنه تکفیری‌ها را جمع کنند. دقیقاً دو سال بعد (سال ۹۴) که بحث سوریه دیگر داغ شده بود و اشتیاق ما هم برای حضور در آنجا دوچندان باز حاج قاسم را در حسینیه امام



خمینی دیدم. این بار رفتم کنارش و با اسرار گفتم که اجازه حضورم در سوریه را امضا کنید. بعد آشنایی دادم و گفتیم من هم‌رمز شهید علی معمار در سیستان و بلوچستان بودم و شما را هم آنجا زیارت کرده‌ام. مقطعی هم به لبنان رفته بودم و خلاصه از سوابق به ایشان گفتم. حاجی همین طور که دستم را گرفته بود و مسیر حدود ۵۰ متری تا ورودی حسینیه را طی می‌کردیم، حرف عجیبی زد. گفت: «عزیز من! عزیز دل! الان نیازی به حضور شما در آنجا نیست. ان‌شاءالله وقتی خواستیم قدس را آزاد کنیم، به وجود همه شما نیاز داریم.»

**● شهید معمار از یاران حاج قاسم بودند؟**

سردار شهید علی معمار حسن آبادی فرمانده عملیات تیپ سلمان در سیستان و بلوچستان بود و بعد هم فرمانده سپاه نیکشهر شد. عرض کردم که در جنوب شرق کشور، همگی زیر نظر سپاه منطقه شش کرمان بودیم و افتخار داشتیم که حاجی مافوق ماست. شهید معمار هم به همین ترتیب از یاران حاجی بود. می‌توانم بگویم در سیستان و بلوچستان، علی معمار محبوبیت فوق‌العاده‌ای بین مردم داشت. من یکبار که برای کاری به نیکشهر رفته بودم، همراه شهید معمار به منطقه‌ای رفتم. به هر روستایی که می‌رسیدیم، وقتی مردم منطقه متوجه حضور او می‌شدند، می‌آمدند کنار جاده تا بتوانند ایشان را ببینند. اینقدر که دوستش داشتند. در مقابل اشراک منطقه به شدت از او ترس داشتند. علی معمار را یکبار به کاشان بردند و آنجا به او مسئولیت دادند ولی ایشان گفت من نمی‌توانم اینجا بمانم و دوباره به سیستان و بلوچستان برگشتم. عاقبت هم اشراک برایش کمین گذاشتند و علی را به شهادت رساندند.

**● برگردیم به خاطرات شهید سید رضی موسوی. گفتید که قرار شده بود شما نیرویش باشید.**

بله، ایشان مسئول پشتیبانی سپاه در لبنان بود و ما هم نیرویش. کمی بعد از حضورم، اتومبیلی را به من تحویل داد که باید به عنوان پیک بین لبنان و سوریه تردد می‌کردم و کارهایی را انجام می‌دادم. سید رضی همان سال ۷۰ بسیار انسان فعال، توانمند و مدیری بود. یادم است زین عربی را به خوبی صحبت می‌کرد. با آن رفتار گرم و صمیمانه‌ای که داشت، هم رزمندگهای خودمان و هم بچه‌های حزب‌الله و مردم لبنان، همه او را دوست داشتند. شما حاج قاسم را در نظر بگیرید، ایشان چنین اخلاقی داشت. خیلی از دوستان حاجی می‌گویند که ایشان بسیار هوای نیروهایش را داشت. سید رضی هم همین طور بود. حتی حواسش به اوقات فراغت ما هم بود. مثلاً منطقه‌ای بود که محلی‌ها به خاطر

خوش آب و هوا و زیبایی‌اش خودشان آنجا را جنة یا بهشت می‌گفتند. شهید موسوی روزهای تعطیل که کار خاصی نداشتیم، به ما می‌گفت آنجا بروید و استراحت کنید. او مثل حاج قاسم یک انسان چند بعدی بود. موقع کار جدی و مواقع دیگر خونگرم و مثل یک دوست برخورد می‌کرد.

**● به عنوان یک مسئول و فرمانده، بارزترین خصوصیات اخلاقی سید را چه می‌دانید؟**

یک انسان مدیر، توانمند، بخشنده با ذات پاک و دوست‌داشتنی. در منطقه (سوریه و لبنان) اغلب او را می‌شناختند و دوستش داشتند. البته در لبنان به طور کلی مردم و خصوصاً شیعیانش، ایرانی‌ها را دوست داشتند. یکبار من همراه یکی از بچه‌های حزب‌الله لبنان برای مأموریت به منطقه‌ای می‌رفتیم. به جای رسیدیم که گویا خانه پدری این بنده خدا بود. ایشان به عربی و با ایما و اشاره به من فهماند که خانه‌شان نزدیک است و می‌خواهد سسری به خانواده‌اش بزند. ساعت شش و یک با هم داخل شدیم. ساعتی بعد مادرش گفته بود که یک ایرانی همراه من است. ناگهان پدر و مادرش جلوی در آمدند و اصرار کردند داخل بروم. هر چه گفتم دیروت است، قبول نکردند و مرا داخل بردند. همان شب بسیار شایسته پذیرایی کردند و یک لحظه چشمم از من بر نمی‌داشتند. به نظر من، این طور محبت مردم لبنان به ایرانی‌ها برگرفته از رفتارهایی بود که امثال شهید سید رضی فسال، توانمند و مدیری بود. همین رفتارها چنین واکنش‌های مثبتی در پی داشت.

**● چه خاطره‌ای از شهید موسوی برایتان ماندگار شده است؟**

مقطعی که ما در لبنان بودیم، مصادف با ماه محرم شد. شهید سید رضی به ما که نیرویش بودیم گفت برای ایام عزاداری اباعبدالله‌الحسین (ع) به سوریه بروید و کنار حرم حضرت زینب و حضرت رقیه (س) عزاداری کنید. عرض کردم بسیار هوای نیروهایش را داشت. ما رفتم و به

## سرپرست دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد: شرکت بیش از ۸۳ درصد جمعیت هدف چهارمحال و بختیاری در پویش ملی سلامت



وی عنوان کرد: به منظور رعایت عدالت در غربالگری و بیماریابی نیز از با لگردد هوایی در مناطق دوردست و صعب‌العبور استفاده شد.

سرپرست دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهرکرد با بیان اینکه این طرح در ۵۳۷ مرکز، پایگاه و خانه بهداشت استان به همت یک هزار و ۱۱۶ مجری در حال اجراست، تصریح کرد: همچنین برای تسهیل دسترسی مردم به غربالگری این طرح، ۳۸ ایستگاه ثابت و سیار راه اندازی و ۲۰۹ تیم سیار به مناطق مختلف اعزام شده است.

هدف چهارمحال و بختیاری در این طرح مشارکت کرده‌اند. اعرابی اضافه کرد: هم اکنون در ۶ شهرستان سامان، لردگان، کیار، فلارد، اردل و خانمیرزا بالای ۹۰ درصد جمعیت هدف در این طرح شرکت کرده‌اند.

وی بیان کرد: با اجرای طرح پویش ملی سلامت ۶ هزار و ۹۱۲ بیمار جدید مشکوک به پرفشاری خون و ۳ هزار و ۳۷۸ بیمار جدید مشکوک به دیابت در چهارمحال و بختیاری شناسایی شد.

سرپرست دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهرکرد با بیان اینکه این طرح در ۵۳۷ مرکز، پایگاه و خانه بهداشت استان به همت یک هزار و ۱۱۶ مجری در حال اجراست، تصریح کرد: همچنین برای تسهیل دسترسی مردم به غربالگری این طرح، ۳۸ ایستگاه ثابت و سیار راه اندازی و ۲۰۹ تیم سیار به مناطق مختلف اعزام شده است.

سرپرست دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهرکرد گفت: بر اساس آمار سامانه سبب تا کنون ۸۳.۹ درصد جمعیت هدف استان در پویش ملی سلامت شرکت کرده‌اند.

سرپرست دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهرکرد در تشریح آخرین وضعیت اجرای پویش ملی سلامت در چهارمحال و بختیاری ادامه داد: بسیج غربالگری و بیماریابی دیابت و پرفشاری خون برای همه افراد بالای ۱۸ سال و مادران باردار در حال اجراست که جمعیت هدف استان در این طرح ۶۶۹ هزار و ۲۴۳ نفر تعیین شده است.

وی افزود: بر اساس آمار ثبت شده در سامانه سبب وزارت بهداشت، تا کنون بیش از ۶۰۹ هزار و ۱۹۹ نفر معادل ۸۳.۹ درصد جمعیت

## مدیرعامل جمعیت هلال احمر چهارمحال و بختیاری: امداد رسانی به ۴ حادثه‌دیده و ۳ مصدوم در چهارمحال و بختیاری



سوار و پراید و پژو ۲۰۷ در محور کوهرنگ به فارسان دریافت شد. مثنوی با اشاره به بر جای ماندن سه مصدوم در این حادثه، بیان کرد: پس از اعزام نیروهای امدادی پایگاه جاده‌ای دشت زرین به محل حادثه، اقدامات پیش بیمارستانی انجام شد و مصدومان به بیمارستان شهرستان فارسان اعزام شدند و این عملیات در ساعت ۱۴:۰۴ دقیقه به پایان رسید.

مدیرعامل جمعیت هلال احمر چهارمحال و بختیاری از امداد رسانی تیم های عملیاتی به چهار حادثه‌دیده و سه مصدوم بر اثر وقوع ۲ حادثه جاده‌ای در این استان خبر داد. مسعود مثنوی از امداد رسانی تیم‌های عملیاتی به چهار حادثه‌دیده و سه مصدوم بر اثر وقوع ۲ حادثه جاده‌ای در چهارمحال و بختیاری خبر داد و گفت: ساعت ۱۰:۱۰ دقیقه امروز دوشنبه ۱۱ دی‌ماه به دنبال دریافت خبری مبنی بر انحراف یک دستگاه خودروی سواری پژو ۴۰۵ در محور بازتف به گردنه چری نیروهای امدادی از پایگاه جاده‌ای شهدای بازتف به محل اعزام شدند. مدیرعامل جمعیت هلال احمر چهارمحال و بختیاری با اشاره به بر جای ماندن چهار حادثه‌دیده در این سانحه، افزود: پس از انجام عملیات رها سازی خودرو و امداد رسانی به حادثه‌دیدگان این عملیات در ساعت ۱۰:۴۰ دقیقه به پایان رسید. وی اضافه کرد: ساعت ۱۴ نیز خبری مبنی بر تصادف ۲ خودروی

## مدیرکل بنیاد شهید و امور ایثارگران چهارمحال و بختیاری: جانباغ ۷۰ درصد در چهارمحال و بختیاری به یاران شهیدش پیوست

شمیران بر اثر اصابت ترکش به سر و چشم به فیض جانباغی نائل آمد. مردم چهارمحال و بختیاری در هشت سال مقدس بیش از ۲ هزار و ۴۰۰ شهید گلگون کفن را تقدیم نظام اسلامی کردند، همچنین حدود ۴۰ هزار رزمنده از این استان عازم جبهه‌های حق علیه باطل شدند که از این تعداد ۲ هزار و ۴۳۶ رزمنده شهید، هفت هزار و ۵۰۰ نفر جانباغ و نزدیک به ۵۰۰ نفر آزاده شدند.

مراسم تشییع و خاکسپاری این شهید والامقام سه شنبه از درب منزل به طرف گلزار شهدای شهرستان اردل برگزار شد.

## مدیرعامل شرکت شهرک‌های صنعتی چهارمحال و بختیاری خبر داد: بهره‌مندی واحدهای خدماتی شهرک صنعتی جوققان از نعمت گاز

این پروژه، علاوه بر واحدهای خدماتی، تعدادی از واحدهای صنعتی نیز از این انرژی حیاتی برخوردار می‌شوند. وی خاطر نشان کرد: شبکه توزیع گاز شهرک صنعتی جوققان با ظرفیت ۱۳ کیلومتر لوله‌گذاری و اعتبار ۲۰۰ میلیارد ریال به‌مدت یکسال اجرا شده است. گفتنی است که شهرک صنعتی جوققان به مساحت ۸۶ هکتار در فاصله ۴۵ کیلومتری مرکز استان و در شهرستان فارسان قرار دارد.

مدیرکل بنیاد شهید و امور ایثارگران چهارمحال و بختیاری گفت: جانباغ ۷۰ درصد شهید حاج کرملی رئیس اردلی پس از سال‌ها تحمل درد و رنج ناشی از مجروحیت یکشنبه شب در شهرستان اردل به جمع یاران شهیدش پیوست.

اسماعیل عسگری با اعلام این خبر افزود: این جانباغ برادر ۲ شهید ۲ و جانباغ و یک رزمنده بسیجی است.

وی گفت: جانباغ شهید حاج کرملی رئیس در یکم فروردین ماه ۱۳۴۸ در اردل متولد شد.

جانباغ شهید حاج کرملی رئیس با عضویت بسیج در جبهه حضور یافت و ۲۲ اسفندماه ۱۳۶۶ در عملیات والفجر ۱۰ در منطقه شاخ

فاطمه برخورداریان، خبرنگار زردتوبه / مدیرعامل شرکت شهرک‌های صنعتی چهارمحال و بختیاری گفت: عملیات گازرسانی به واحدهای خدماتی و تولیدی مستقر در شهرک صنعتی جوققان به اتمام رسید. به‌گزارش روابط عمومی شرکت شهرک‌های صنعتی چهارمحال و بختیاری - حمید غفاری در جریان بازدید از روند اجرایی پروژه‌های عمرانی شهرک صنعتی جوققان با اعلام این خبر افزود: با بهره‌برداری از



رئیس کل دادگستری چهارمحال و بختیاری با اشاره به معرفی اعضای جدید هیئت منصفه مطبوعات استان، گفت: این افراد در سالم‌سازی افکار عمومی جامعه و بسط و توسعه عدالت اجتماعی یاری‌گر دستگاه قضا هستند. محمد رزم گفت: اعضای هیئت منصفه مطبوعات در سالم‌سازی افکار عمومی جامعه و بسط و توسعه عدالت اجتماعی یاری‌گر دستگاه قضا هستند.





**روزنامه کثیرالانتشار زرد کوه ( سیاسی، اجتماعی، فرهنگی واقتصادی )**

**صاحب امتیاز و مدیر مسئول: علی یوسف پور**

**\* مطالب و نوشته های روزکوه لزوماً دیدگاه گردانندگان آن نمی باشد.**

## به روزی‌رسان بودن خداوند اعتماد کنید

حجت الاسلام داودی‌نژاد، کارشناس خانواده می‌گوید:«تضمین روزی از سوی خداوند شامل حال افراد بی‌مسئولیت نمی‌شود. مخاطب خداوند کسانی هستند که دنبال کار و تلاش می‌روند اما درآمد زیادی ندارند. خداوند زندگی این افراد را گارانتی می‌کند.»
خداوند در آیات متعدد قرآن کریم روزی بندگان را تضمین کرده است؛ حتی قرآن در آیه ۶ سوره هود تأکید دارد که «هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست، مگر آن که روزی او بر عهده خداست.» اما در این دوره و زمانه نامطمئن، اعتماد به رزق و روزی رسان بودن خداوند چالش برانگیز شده است؛ تبایی‌که یک پاسخ رزق‌دهی که این روزها از زبان جوان‌هایی‌که ازدواج نمی‌کنند یا زوج‌هایی که بچه‌دار نمی‌شوند، می‌شنویم مشکلات مالی است. این در حالی است که اسلام درمان مشکلات مالی را در ازدواج و فرزندانآوری قرار داده است. اما سؤال اینجاست که آیا عاقلانه است در شرایط اقتصادی فعلی ازدواج کرد یا فرزندی را به این دنیا آورد؟

حجت الاسلام دکتر مسلم داودی نژاد، کارشناس خانواده و مؤلف کتاب‌های سبک زندگی اسلامی به این سؤال پاسخ می‌دهد.

- مشکلات مالی اصلی‌ترین علت طلاق‌ها نیست**

به گفته حجت الاسلام داودی نژاد، اگرچه یکی از علل ترس جوانان از ازدواج مسائل مالی است، اما بنده با ۱۵ سال سابقه مشاوره در دادگاه خانواده شاهد بوده‌ام که یکی از کمترین ارجاعات به دادگاه خانواده برای طلاق، مسئله اقتصادی است. هرچند ما موارد بسیار زیادی داریم که به دلیل عدم مسئول‌پذیری مردان به دادگاه مراجعه می‌کنند؛ اما طلاق، در مواردی که مرد مسئولیت‌پذیر است ولی درآمد کفاف زندگی را نمی‌هد، بسیار نادر است.

- به گارانتی خداوند اعتماد کنید**

داودی‌نژاد با اشاره به تأمل‌برانگیز بودن آیه ۳۲ سوره نور می‌گوید:« خداوند در این آیه می‌فرماید" به زنان و مردان بی همسر بگویند همسر بزرکتند و

ازدواج کنند و اگر تهی هستند خداوند آنها را از فضل خود توانگر خواهد کرد، چون خدا دارای بخشش گسترده است و به حال کسی که صلاح او را می‌داند، روزی‌اش را زیاد می‌کند."

او ادامه می‌دهد: «این آیه شامل حلال فرد بی‌مسئولیت نمی‌شود. مخاطب این آیه کسانی هستند که دنبال کار و تلاش می‌روند اما درآمد زیادی ندارند. خداوند زندگی این افراد را گارانتی می‌کند.»
این کارشناس خانواده وعده خداوند را تضمینی بر روزی‌رسان بودن او می‌داند و می‌گوید: «شما یک تلفن همراه یا ماشینی را با گارانتی خریداری می‌کنید، اما با آنکه خیلی از قطعات آن تلفن‌همراه یا ماشین هنگام تعمیر شامل گارانتی نمی‌شود، باز شما خیالتان راحت است که گارنتی دارد؛ عجیب است که ما دلمان را به گارانتی وسایل زندگی‌مان قرص می‌کنیم اما به گارانتی خداوند اعتماد نداریم. خدا می‌گوید من برای کسی که تلاش کند، تضمین و گارانتی می‌کنم که رزق‌وروزی او را تأمین کنم.»

**• رزق‌وروزی فقط مادی نیست**
داودی‌نژاد می‌گوید اگرچه در آیات متعدد قرآن کریم به روزی‌دهنده بودن خداوند اشاره شده است، اما رزق‌وروزی فقط مادی نیست: «رزق‌وروزی می‌تواند مادی، علمی، معنوی، اعتبار اجتماعی، شخصیتی، عقابت‌به‌خیری و… باشد؛ بنابراین، شاید رزق‌وروزی یک نفر علم باشد و در ازدواج ممکن است این رزق‌وروزی صرفاً مادی نباشد.»
او تصریح می‌کند: «گاهی خداوند رزق ازدواج یک نفر را به تأخیر می‌اندازد تا کمال و برکت را افزایش دهد. آقای قرائتی در این باره تعبیر زیبایی دارند و می‌گویند اگر شما مسیر درست ازدواج را طی کنید و بهانه‌گیری و سخت‌گیری نداشته باشید، باین‌وجود ازدواجتان به تأخیر بیفتد، این یعنی هنوز زمینه ازدواج برای شما فراهم نشده و با تقوای الهی پیشه‌کردن خداوند آن اسباب را برای شما فراهم خواهد کرد." با این حال، گاهی فردی صبر نمی‌کند و بسا تأخیر ازدواج به سرعام معصیت، گناه و ارتباط

درب خانه ایستاده دید، آن حضرت فرمود:

چرا اینجا ایستاده ای؟

حضرت فاطمه (س) عرض کرد: فرزندانم صبح بیرون رفته‌اند و تاکنون از آن‌ها هیچ خبری ندارم. پیامبر به دنبال آن‌ها روانه شد و آن‌ها را به سلامت باز گرداند. این واقعه خود نمونه‌ای گویا از توجه و اهمیت دادن حضرت زهرا (س) به حضور فرزندان خردسالش بود.

- هدایای رسول الله به حضرت زهرا**

پیامبر گرامی اسلام (ص) دو هدیه گران‌بها به دختر خود، حضرت فاطمه زهرا (س) دادند، یکی هدیه ملکی «فدک» بود که آن را بآب الکریم وضع کردند و دیگری هدیه ملکوتی «تسبیحات حضرت فاطمه زهرا (س)» است.

در اهمیت این بذکر همین بس که حضرت امام صادق (ع) درباره آن فرموده‌اند: «اگر هدیه و نعلبای بالاتر از آن تسبیح بود، پیامبر اسلام آن را به حضرت فاطمه (س) تعلیم می‌دادند.»

- توسل امام رضا (ع) به حضرت فاطمه (س)**

یکی از فضای حوزه که مشکل بزرگی برایش پیش آمده بود، برای زیارت و توسّل به حضرت امام رضا (علیه السّلام) عازم حرم می‌شود. از قضا به علامه طباطبایی بر می‌خورد که ایشان هم عازم حرم است. به طرفش رفته و با چشمی پر اشک و دلی پرسوز از ایشان می‌خواهد تا دعایی را او بیاموزد که حاجتش روا شود. علامه نگاه می‌مهران به چهره و حالت او می‌کند. آنگاه می‌گوید: فرزندم! وقتی وارد حرم مطهر می‌شوی، یکی از مؤثرترین و بهترین دعاها این است که حضرت را به مادرش زهرا (علیهاالسّلام) قسم بدهی که حاجت تو را از خدا بخواهد.

چون حضرت به مادرش زهرا (علیهاالسّلام) علاقه‌ی فراوان و ارادت خاصی دارد و سوگند دادن به مادر محبوبش، سخت مؤثر خواهد افتاد.

می‌گوید: با شنیدن این سخن، سخت متأثر شدم و رعشه و لرزه‌ای تمامی وجودم را در برگرفت. این توسّل و قسم دادن همان و به مقصود رسیدن.

- صلوات حضرت زهرا برای حاجت و فضیلت آن**

یکی از ختم مجرب در برآورده شدن حاجات، صلوات بر حضرت فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) است. صلواتی که پیامبر اکرم (ص) نیز به آن سفارش بسیار فرموده اند.

اللهم صلّ علی فاطمه و آئیها و بعلیها و بنیها و السّیر المسلمونَ فیها بعدد ما اخطأ به علیک.

نامشروع می‌رود، اینجاست که خداوند نعمت و رزق‌وروزی فرد در ازدواج را به خودش واگذار می‌کند.»

- وعده روزی‌رسانی خداوند مستلزم تلاش است**

به گفته داودی‌نژاد، روزی‌رسان بودن خداوند مطلق نیست و دارای ویژگی و شرایط خاصی است. او می‌گوید: «توسل به خداوند نیازمند حرکت و تلاش است. اگر شما تلاش نداشته باشید و برای کسب رزق‌وروزی تنها به خدا توسل کرده و دعا کنید، رزق‌وروزی به دست نخواهد آمد.»
او با ذکر مثالی توضیح می‌دهد: «اینکه شما دعا کنید تا فرزندان به راه راست هدایت شود یا اموالتان وسعت پیدا کند، کافی نیست. هدایت و تربیت درست فرزند نیاز به آموزش دارد و وسعت اموال نیاز به تلاش دارد؛ بنابراین، وعده خداوند مستلزم تلاش شما است»

این کارشناس خانواده تأکید می‌کند: «اگر کسی اهل کار است اما درآمد بالایی ندارد و به خواستگاری دختر شما آمد، دخترتان را به او بدهید، چون بنا به وعده الهی رزق‌وروزی این فرد وسعت پیدا می‌کند. اما اگر کسی به پشتوانه پدرش درآمد بالایی دارد ولی اهل کار و مسئولیت‌پذیری نیست، مطمئناً چنین فردی رزق‌وروزی در زندگی‌اش نخواهد بود و این زندگی احتمال خطرات و اتفاقات خطرناک زیاد وجود دارد.»

- گرفتنار معیارهای غلط جامعه نشود**

داودی‌نژاد به جوانانی که نداشتن توان مالی برای اداره زندگی خود را دلیلی برای تأخیر ازدواج عنوان می‌کنند، می‌گوید: «قبیل از هر چیزی دقت کنید معیار‌تان از اداره زندگی چیست؟ آیا معیار زندگی لاکچری و چشم و هم چشمی جامعه امروز ماست یا معیار یک زندگی درست است؟! آیا معیار برای ازدواج، گرفتن یک عروسی لاکچری است یا سروسامان گرفتن و رفتن زیر سقف زندگی مشترک است؟! ما نباید ازدواج و فرزندانآوری‌مان را به خاطر

برخی معیارهای غلط در جامعه به تأخیر بیندازیم.» او تأکید می‌کند: «اگر کسی شغل نسبی و مسئولیت و جنم کارکردن را دارد، ولو درآمدش کفاف خرید سروسیس طلا و عروسی را نمی‌دهد، بدون هیچ ترسی به وعده خدا اعتماد کرده و ازدواج کند، چون خداوند به زندگی این فرد برکت می‌دهد.»
این کارشناس خانواده با اشاره به روایتی از امام صادق(ع) تصریح می‌کند:«فردی به امام صادق (ع) گفت: آقا شما می‌گویید با درآمد پایین ازدواج کنید جور در نمی‌آید؛ چطور ممکن است؟آقا فرمود: به این کله گوسفند نگاه کن؛ چند کله گوسفند می‌بینی؟ مرد گفت: حدوداً ۳۰۰ گوسفند. آقا فرمود: چند سگ می‌بینی؟ گفت: ۵-۶ سگ می‌بینم. آقا پاسخ داد: تو در حالی ۳۰۰ گوسفند می‌بینی که این حیوان نهانیا در طول سال یک یا دو بچه و سگ هفت بچه به دنیا می‌آورد. با یک حساب سر انگشتی پس باید تعداد سگها خیلی بیشتر از گوسفندان باشد؛ ضمن اینکه کل عالم از گوشت گوسفند استفاده می‌کند و به ازای هر یک گوسفندی که به دنیا می‌آید، ۱۰ گوسفند کشته می‌شود اما ما باز کله‌گله گوسفند می‌بینیم. امام صادق(ع) فرمودند: این به خاطر آن است که خدا در نسل گوسفند برکت قرار داده و این برکت است که موجب ازدیاد نسل گوسفند گشته است. حضرت در ادامه فرمود: خداوند در ازدواج و فرزندانآوری کسی که توسل به خدا کرده و تلاش و حرکت می‌کند، برکت قرار می‌دهد.»

داودی‌نژاد در پایان به جوانان توصیه می‌کند: «اگر برای ازدواج یا فرزندانآوری ترس از خانه نداشتن دارید، باید بدانید که شاید خداوند خانه را در رزق آن زن یا بچه قرار داده باشد؛ چه بسیار افرادی که هنگام ازدواج آه در بساط نداشتند، اما بعد از ازدواج و فرزندآوری، خداوند به زندگی‌شان برکت داده است؛ بنابراین، به‌اندازه گارانتی وسایل زندگی‌تان به گارانتی خداوند اعتماد کنید و ببینید در زندگی‌تان چه اتفاقات پربرکتی خواهد افتاد.»ایرنا

## حضرت فاطمه (س) پیوند دهنده دورکن درخشان نبوت و امامت / مادران اولین آموزگاران جامعه هستند

روش ختم سه روزه صلوات حضرت

زهرا (س) به نقل از راویان اهل بیت (ع) برای رفع مشکل و برآورده شدن حاجات توصیه می‌شود. توسل بر این صلوات و ختم آن برای رفع گرفتاری، نجات از بند، رها شدن از زندان و حاجت روائی بسیار تأثیر گذار و مجرب است.برای ختم سه روزه صلوات حضرت زهرا(ع) را به تعداد ۵۳۰ مرتبه در روز بخوانید. انتخاب عدد ۵۳۰ بر اساس حروف ابجد نام فاطمه است.روش ختم دیگری نیز به نقل از مرحوم جعفر آقا مجتهدی (ره) آمده است. در این روش ختم توصیه می‌شود صلوات مخصوص حضرت فاطمه الزهرا روزی ۱۳۵ مرتبه یعنی هم عدد با نام متبرک «فاطمه» ذکر شود تا از برکات آن بهره‌مند گردید.

بهرمند گردید.

- مادران، اولین آموزگاران جامعه هستند**

جمادی الثانی ماهی پسر از خاطره و معنویت است؛ خاطراتی شیرین از مادران مهربان، فرزندان با محبت و همسران با وفا؛ این ایام به یُمن بیستم ماه جمادی الثانی، در روز بانوی نمونه اسلام، فاطمه زهرا (س)، هفته زن نام گرفت. بانویی که پیامبر گرامی اسلام (ص) به او لقب "ام ایپها" داده است، یعنی دختری که برای پدرش همچون مادر بود.

مادران، اولین آموزگاران جامعه هستند که می‌توانند سبب رشد، ترقی و پیشرفت آن شوند؛ چرا که این مادران هستند که می‌توانند با به‌کارگیری روش های مهم و سازنده، در تربیت صحیح فرزندانشان نقش مهمی ایفا کنند.

اگر این روزها از هر کسی بخواهید که چند کلمه دربارهٔ مادر صحبت کند هیچکس نمی‌تواند بدون بغض و قطره‌ای اشک از مادرش تعریف کند. مادران گل‌های با بکشت هستند که نه فقط در زبان و ادبیات بلکه به معنای واقعی نسبت به این وظیفه و این کلمه ادای دین کردند چه مادرانی که در سرزمین ما سال‌ها به پای میوه‌های باغ درخت زندگی خود جانشان را فدا کردند و آنها را برای حفظ امنیت این روزهایمان فدا کردند و چه مادرهایی که هنوز چشم انتظار بازگشت فرزندانشان هستند.

چه مادرانی که پیشان برای ثمر دادن این میوه‌ها سپید گشته است و حالا دست روزگار با آنها ناهمبانی کرده است و به دست فراموشی سپرده شده‌اند و چشم انتظار دیدار فرزندانشان هستند.

امروز می خواهیم به کسی که مظهر ایشار و از خود گذشتگی؛ مهر و محبت است سلام بکشیم و درود بفرستیم به کسی که خداوند پشت و زبیر پایش نامزد زین و دستامان از ادا کردن حق این بزرگواری روز زن یا روز مادر باشد، چه روزی والاتر و افتخار آمیزتر از روز ولادت با سعادت فاطمه زهرا (س) است؛ زنی که افتخار خاندان وحی است و چون خورشیدی بر

• چهارشنبه ۱۳ دی ماه ۱۴۰۲ • سال سی و چهارم • شماره ۲۵۹۲ •

<b>E-mail<span> </span>: zardkoo1@yahoo.com</b>
<b>E-mail<span> </span>: zardkoohbakhtiyari@yahoo.com</b>
<b>Site<span> </span>: www.zardkooHnews.com</b>
<b>Telegram<span> </span>: https://telegram.me/zardkooHnewspaperw</b>

### جامعه

**سالمندانی که تنها احترام طلب می‌کنند...**



سالمندی دورانی بسیار حساس در زندگی همه انسان‌ها به حساب می‌آید، اینکه روزی فردی جوان، بانشاط، پرجنب و جوش و با هزاران امید و آرزو بوده و اکنون در تنهایی خود زندگی را سپری می‌کند آنها را رنجور می‌کند.

سالمندان بازماندگان نسل های گذشته پس از سالها تلاش در روزهای پیری خود در انتظار محبت و عاطفه افرادی هستند که روزگار جوانی خود را صرف تربیت و رشد و بالندگی آنان کرده‌اند.

مهندس سلیمانی، سرپرست اداره کل بهزیستی چهارمحال و بختیاری با اشاره به اینکه حدود ۱۰۹ هزار ۴۵۵ سالمند در چهارمحال و بختیاری وجود دارد، اظهار کرد: طبق شاخص‌های جمعیت این تعداد سالمند تقریباً ۱۰.۶ درصد جمعیت استان هستند.

وی گفت: در استان سه مرکز شبانه روزی و ۱۶ مرکز روزانه سالمندان وجود دارد که در مراکز روزانه همزمان هشتت مرکز خدمات تیم سنپار فعالیت می‌کند که این تیم‌های سیار در منزل به سالمندان خدمت ارائه می‌کنند.

سلیمانی با بیان اینکه در راستای توانمندسازی سالمندان، بهزیستی خدماتی را به آن‌ها ارائه می‌دهد، عنوان کرد: برای سالمندانی که به مراکز سالمندی مراجعه می‌کنند خدماتی مانند کاردرمانی، فیزیوتراپی، خدمات رفاهی، دوره‌های آموزشی مانند آموزش پیشگیری از معلولیت‌ها ارائه می‌شود.

این جامعه شناس گفت: بهتر است سالمندان به مرکز روزانه مراجعه کنند، مرکز روزانه برنامه‌های فرهنگی، ورزشی و تفریحی زیارتی و گردش‌ی و اقدامات بهداشتی و درمانی برای آنها دارد و مرکز روزانه برای سالمند و خانواده آنها بسیار مفید است زیرا ساعتی سالمند در بیرون خانه است و در این مدت خانواده سالمند هم می‌تواند به سایر امورات زندگی خود بپردازد.

سلیمانی گفت: تا جایی که امکان دارد سالمند در مراکز روزانه برده شود در صورتی که خانواده‌ها توان نگهداری سالمند را نداشته باشند و سالمند از نوع شدید باشد می‌توان به مراکز نگهداری شبانه روزی مراجعه کرد.

سرپرست اداره کل بهزیستی چهارمحال و بختیاری خاطر نشان کرد: سازمان بهزیستی دبیر خانه شورای سالمندان است که هر سه ماه یک بار جلسات آن به ریاست استاندار تشکیل می‌شود و در این شورا انتظارات و مشکلات سالمندان رسیدگی می‌شود و انتظار بهزیستی از سایر دستگاه‌ها آن است که با بهزیستی به عنوان دبیرخانه این شورا همکاری لازم را داشته باشند.

سلیمانی با اشاره به اینکه تکريم سالمندان در سلامت روح، روان و جسم آنها بسیار تأثیرگذار است، عنوان کرد: سالمندان از فرزندان خود در پیری احترام می‌خواهند و هیچ چیزی به اندازه احترام نمی‌تواند احساس رضایت را به والدین سالمند انتقال دهد.

وی در ادامه افزود: سالمندانی که در خانه نگهداری می‌شوند باید مورد تکريم و احترام همه اعضای خانواده قرار گیرند و از تجربیات سالمندان استفاده شود و فرزندان سالمندان فکر نکنند که والدینشان عمر خودشان را کرده‌اند و دیگر نمی‌شود از آنها بهره‌مند شد.

سلیمانی با تأکید بر اینکه افراد خانواده نباید سالمندان را بدون استفاده، دست و پاگیر و سربرار بدانند، تصریح کرد: سالمندان سرمایه ارزشمند و منبع تجربه هستند که باید از تجربیات آنها در زندگی استفاده شود، نباید هیچ‌گونه رفتار کلامی و نگاهی سالمندان را ناراحت کند زیرا والدین که سال‌ها برای فرزندان خود زحمت کشیده‌اند از فرزندان خود احترام و تکريم می‌خواهند.

سرپرست اداره کل بهزیستی چهارمحال و بختیاری گفت: سالمندان به سه دسته تقسیم می‌شوند که سالمند درجه اول شرایط بد جسمی و روحی را سپری می‌کنند و سالمند درجه سه نیازمند توجه روحی و روانی ویژه است و حتماً باید به آن‌ها یک کار و فعالیت محول شود حتی اگر آن کار را اشتباه انجام دهد نباید آنها را راکد نگه داشت.

وی تأکید کرد: هر چقدر که سالمندان را در انزوا نگه داریم و از توانمندی‌های آن‌ها استفاده نکرده و آن‌ها را پایگانی کنیم، می‌تواند وضعیت سالمندی آنها را وخیم‌تر کند، به صورتی که اگر فرد سالمند درجه سه باشد و بتواند کارهای خود را انجام دهد هر چقدر از طرف افراد خانواده بد رفتاری دریافت کند به سمت انزوا و افسردگی حرکت کرده و نگهداری برای فرزندان سخت‌تر می‌شود.

وی در ادامه گفت: برخی ویژگی‌های روانشناختی سالمندی می‌تواند یکسری مشکلات روحی، روانی و خلقی ایجاد کند و در صورتی که اطرافیان هم با برخورد بد به این مشکلات دامن بزنند و آنها را به انزوا بکشاند و فضای شادی برای آن‌ها در نظر نگیرند متأسفانه مشکلات روحی و روانی آن‌ها دو برابر شده و می‌تواند در سلامت روحی، روانی و جسمی آن‌ها تأثیرات منفی بگذارد.

سلیمانی بیان کرد: در صورتی که به سالمندان از نظر روحی و روانی رسیدگی نشود، این افراد به سمت سالمند درجه یک می‌رود و نگهداری سالمند در خانه سخت می‌شود.

این جامعه شناس با اشاره به اینکه جامعه ایران به سمت سالمندی پیش می‌رود، خاطرنشان کرد: جمعیت جوان در ایران در حال کم شدن است و سالمندان روز به روز افزایش پیدا می‌کنند پس در این شرایط باید توجه ویژه‌ای به سالمندان شود. /لسنا